

## پیش‌خوان

روایتی مستند از «روابط رژیم پهلوی و اسرائیل»

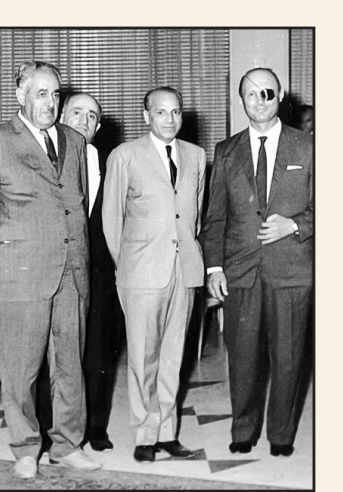
## «امریکای کوچک» در ایران مأموریت و کارکرد

■ شاهد توحیدی



لقب داده، از حضور تدریجی و نهایتاً حلاکتی رژیم صهیونیستی در ایران، روایتی مستند ارائه کرده است. این تحقیق از سوی رضا زارع فاروقی ارائه شده و پژوهشکده تاریخ معاصر ایران به انتشار آن همت گماشته‌است. تازنمای ناشر در معرفی این کتاب به نکات بی‌امده اشارت برده‌است:

«کتاب امریکای کوچک اثری است که با درک اهمیت روابط رژیم پهلوی و اسرائیل و اثرات آن در منطقه، سعی کرده‌است بدون پرداخت‌های اضافه، شرح موجزی برای مخاطبان ارائه کند. این کتاب توسط انتشارات پژوهشکده تاریخ معاصر ایران، در ۱۰۸ صفحه و به قلم رضا زارع فاروقی منتشر شده‌است. فصل اول این کتاب، به‌طور فشرده به چگونگی پیدایش و اشغال سرزمین فلسطین می‌پردازد و از مهم‌ترین حوادث تاریخ سرزمین فلسطین از ۵هزار سال قبل از میلاد تا سال ۱۹۴۸م که رژیم اشغالگر قدس متولد شده‌است، نام می‌برد. در این بخش به سه عنصر مهم برای شکل‌گیری رژیم پهلوی و رشرح کوتاهی می‌دهد. در فصل دوم، روابط سیاسی رژیم ایران و رژیم صهیونیستی مورد بررسی قرار گرفته‌است. در این فصل با استناد به اسناد به دست‌آمده، از مواضع و اقدامات سیاسی ایران در زمان تأسیس اسرائیل و اثر کودتای ۲۸ مرداد در روابط سیاسی ایران و اسرائیل سخن گفته شده‌است. در فصل سوم این کتاب، روابط



► **موشه دایان** وزیر جنگ رژیم صهیونیستی در سفر به ایران

اقتصادی ایران و اسرائیل مطرح شده که از جمله مهم‌ترین آنها اقدامات مهم و راهبردی ایران در تأمین نفت اسرائیل در زمان تحریم این رژیم از سوی کشورهای مسلمان است. در این بخش از کتاب، اقلام و میزان واردات و صادرات ایران و اسرائیل مورد بررسی قرار گرفته‌است و از جایگاه مهم ایران مخصوصاً در بخش کشاورزی، در تقویت اقتصاد اسرائیل پرده‌برداری می‌کند. فصل چهارم کتاب امریکای کوچک، به روابط امنیتی-اطلاعاتی ایران و اسرائیل پرداخته‌است و در آن، روابط سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) با موساد بررسی شده‌است. در این بخش، به چرایی ایجاد ارتباط بین ساواک و سرویس اطلاعاتی اسرائیل پرداخته و جنبه‌های مختلف همکاری بین این دو سازمان امنیتی و اطلاعاتی بیان شده‌است. علاوه بر این، ارتباط آموزشی این دو سرویس امنیتی مورد توجه نویسنده بوده و مراحل مختلف این آموزش‌ها، شرح داده شده‌است. موضوع فصل پنجم این کتاب، روابط نظامی ایران و اسرائیل است. در این فصل از انگیزه‌های اسرائیل برای فروش تسلیحات جنگی به ایران، پرده‌برداری و قرار دادهای نظامی این دو رژیم بررسی شده‌است. فصل ششم، یکی از مهم‌ترین مباحث این کتاب است و در آن موضوع روابط فرهنگی ایران و اسرائیل، مدنظر نویسنده است. در این بخش از کتاب، نویسنده به روش‌های اسرائیل برای ایجاد انس و پیوند بیشتر با ایران اشاره می‌کند و چگونگی بزرگ‌نمایی تاریخ باستان ایران را در آن دوره توضیح می‌دهد. در این فصل به برخی فعالیت‌های فرهنگی اسرائیل در ایران همچون: کلون کورش کبیر، خانه کورش، موضوع اسرائیل و پیود در جشن ۲۵۰۰ ساله و… اشاره شده‌است. در فصل پایانی این کتاب که با عنوان امریکای کوچک و شیطان کوچک مطرح شده‌است، دلایل نگاه شاه به اسرائیل به‌عنوان امریکای کوچک و نگاه انقلاب اسلامی به اسرائیل به‌عنوان شیطان کوچک، مورد توجه بوده‌است.»

■ **احمد رضا صدری**

عارفان در سیاست دوران خویش کم تأثیر نبوده‌اند، شاهد زنده و شاخص آن مر جع بصیر زنده‌یاد آیت‌الله العظمی حاج شیخ محمدتقی بهجت است. آن بزرگ از سیر تحولات تاریخ معاصر ایران از مشروطه بدین سو، تحلیلی دقیق داشت و همین امر، او را به پی‌جویی سیاست و واکنش بهنگام بیدان ترغیب می‌نمود. در مقال **پی آمده و به مدد پاره‌ای روایات منتشره، برخی کنش و واکنش‌های آن عارف والا مورد خوانش و تحلیل قرار گرفته‌است.** امید آنکه تاریخ پژوهان و عموم علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید. ■■■

■ **محرم راز امام در ادوار پیش و پس از انقلاب اسلامی**

آیت‌الله‌العظمی بهجت را با امام خمینی سابقه‌ای طولانی بود، از دوران پیش و پس از نهضت و برقراری نظام اسلامی، او در تمامی این مقاطع هم رازدار رهبر کبیر انقلاب اسلامی بود و ایضاً مشاور و هم‌کلام او. فرزندان و شاگردان آن عارف واصل، از دیدارها و تبادل نظرات آن دو خاطرات فراوان دارند و برخی از آنها در فرزندان و شاگردان آن عارف واصل، از دیدارها و تبادل انجام آن دیدارها نقش آفریده‌اند. پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه طی مقالی در این باره آورده است:

آیت‌الله خائفی نقل می‌کند: پس از آزادی حضرت امام و ورود ایشان به قم در سال ۱۳۴۳، تمام محله‌های قم برای آزادی رهبر انقلاب جشن گرفتند

به منزل ایشان رفتند. به گونه‌ای که منزل حضرت امام هر روز مملو از جمعیت بود. آیت‌الله بهجت نیز از کسانی بودند که به منزل امام تشریف می‌بردند و مدتی سسر پا بر در یکی از حجرات ایستاده، سپس حرکت کرده و از منزل امام خارج می‌شدند. به ایشان پیشنهاد شد شایسته نیست بیرون اتاق بایستید، دست کم داخل اتاق بنشینید. آیت‌الله بهجت در

## حجت‌الاسلام فقیهی: «آیت‌الله

**خامنه‌ای زیاد و به‌طور مخفیانه به قم می‌آمدند و خدمت آیت‌الله بهجت می‌رفتند. یکی از زمان‌هایی که موعد ملاقات این دو بزرگوار بوده، سحرگاهان است، دو ساعت مانده به اذان صبح. آقا گاهی سحر می‌آمدند و به دیدار آیت‌الله بهجت می‌رفتند. بز این نشانه علاقه شدید آن مرجع بزرگوار به رهبری است که در آن وقت با ایشان ملاقات و صحبت می‌کردند…»**

## عاریخ

تاریخ ۰۶۰۸۵۲۳۰

در مسیر اقامه نماز جماعت در مسجد فاطمیّه قم آیت‌الله‌العظمی محمدتقی بهجت



«**آیت‌الله‌العظمی محمد تقی بهجت، نظام اسلامی و رهبری**»

در آینه روایت‌ها

# گفت‌و شنودهای عرفانی، سیاسی و تاریخی در آستانه نماز صبح

# گفت‌و شنودهای عرفانی، سیاسی و تاریخی در آستانه نماز صبح

جواب فرمودند: من بسر خود فرض می‌دانم که جهت تعظیم این شخصیت ارزنده، به اینجا آمده و دقایقی بایستم و سپس بازگردم! فرزند آیت‌الله بهجت می‌گوید: قبل از ۱۵ خرداد سال ۴۲ و در طول یک سال، شاید حدود ۱۳ بار حضرت امام و آیت‌الله بهجت با هم دیدار داشتند. یادم است که آیت‌الله بهجت خیلی انقلابی موضع می‌گرفت و با امام همراهی می‌کرد. همان روزهای اول به حضرت امام گفته بود، آقا، شاه باید برود! حتی فرموده بود، اینهایی که اطراف شاه هستند، به دنبال دنیا هستند، یکی از اینها را بخواهید تا دنیایش را تأمین کنیم و شاه را نابود کنید! در جلسه دیگری به امام فرموده بودند، شما باید ۴۰ نفر را تربیت کنید تا همین که شاه نابود شد، امور را دست اینها بدهید. امام در پاسخ فرموده بودند، من چهار نفر هم ندارم! البته این اظهار نظر امام در شرایطی بود که برخی در آن روزها فکر می‌کردند نمی‌شود به شاه دست زد! لذا به امام می‌گفتند، شاه بماند، اما او را مدیریت و بقیه را باید اصلاح کنیم! در حالی که آیت‌الله بهجت از همان زمان همراه امام بود و می‌فرمود، شاه باید برود و این نشان از درک بالا و تیزبینی انقلابی آیت‌الله بهجت داشت. حجت‌الاسلام آقا تهرانی می‌گوید: روزهای اول ورود حضرت امام به قم، یکی از دوستان خدمت آیت‌الله بهجت رسید

و آقا فرموده بود، می‌خواهم آقای خمینی را ببینم. بعد فرمودند: به هیچ کس دیگر هم نگو، فقط به خود ایشان بگو. او می‌گوید، خانه امام آمد و گفتم با آقا کار دارم و بیامی هم از یکی از آقایان علم دارم. پاسدارها گفتند نمی‌شود! اصرار کردم تا بالاخره خود حاج احمد آقا آمد. گفتم بیامی از آیت‌الله بهجت دارم که باید فقط به خود امام بگویم. رفتم خدمت امام فرمودند بفرمایید. گفتم از طرف آیت‌الله بهجت بیامی و آمد و آوردم. امام تا اسم آقای بهجت را شنیدند، احترام کردند. بعد فرمودند، بفرمایید ایشان ساعت چهار

گذشته از اینکه کسان بسیاری از جمله آیت‌الله بهاء‌الدینی بسر مرجعیت وی تأکید می‌کردند. خصایص علمی و عرفانی او سبب می‌شد تا

همگان بر احراز چنین مقامی صحه نهند و از مرجعیتش حمایت کنند. مروری بر مواضع او در دوره مرجعیت نشان می‌دهد که او گرچه همواره نگاهی به آینده نزدیک، یعنی ظهور دولت امام زمان (عج) دارد، اما همواره نگران احوال جامعه بشریت و طبعاً خواهان برپایی جامعه ایمانی در سال‌های پیش از ظهور است، چیزی که او از مسیر دعا کردن و نحوه تعامل پارسایان‌اش با مردم پی می‌جوید. با این همه آنچه در آرا و سلوک او مشهود است و همان نیز همواره او را

در جمع نظریه پردازان سنتی نگه می‌دارد، همان منطقی است که او از درون آن به مسائل کنونی انسان معاصر می‌پردازد. در واقع، او بیش از آنکه به موضوعات کلان جامعه با آن پیچیدگی‌های نوینی که به خود گرفته‌اند، بنگرد، بر حسب مناسبات قدیم با آنها به تعامل می‌بپردازد و این شاید مهم‌ترین وجه فرق عالمانی مثل او از نظریه‌پردازان متجدد در درون حوزه علمیه قم باشد که آنان نه تنها مناسبات و مهندسی اجتماعی گذشته را ناکافی، بلکه موجب تعطیلی احکام شریعت اسلامی می‌دانند! برای مثال آیت‌الله بهجت، بدون اینکه تئیینی از مسئله بی‌عدالتی یا فقر ارائه دهد، می‌کوشد آن را بر حسب راه‌حل‌های گذشته حل نماید و می‌گوید:

چه خوب است در هر شهری و دهی و مجتمعی، مهمانخانه‌های مجانی برای فقرا و مساکین باز می‌شود. در عرب‌های باده‌نشین و دهات و روستاهای عراق و نیز بین کریلا و نجف، قبلاً در هر یک فرسخ یا کمتر و بیشتر، یک مضاف بود که از رهگذران و زائران پذیرایی می‌کردند. حتی اگر انسان در آنجا یک وعده ناهار یا شام نمی‌خورد، ناراحت می‌شدند!ا هر کس به اندازه وسع خود، مضاف خود را اداره می‌کرد. بنده یکی دو مرتبه به این مضاف‌ها رفتم. آ!ا اگر در همه بلاد اسلامی، اینگونه مهمانخانه‌ها برقرار می‌بود، مرام کمونیستی می‌توانست در آنها رخنه کند؟! آ!ا اگر خمس و زکات‌ها داده شود، وضع مسلمانان اینگونه بود؟ در روایت است که اگر عدل و داد اجرا می‌شد او خمس اموال به سادات داده می‌شد، آ، هیچ کس از خاندان هاشم و مطلب به زکات نیازمند نمی‌شدند. از بعضی از آخوندهای عرب شنیدم که می‌گفتند گاهی اتفاق می‌افتاد که شخصی یک سال در این مضاف‌ها می‌ماند…».

■ **جمکران را فراموش نکنید تا از فتنه‌گران مصون بمانید!**

عارف واصل برای بسا مسئولان نظام، دستورالعمل‌های عرفانی صادر می‌کرد و توفیق آنان را در عمل به آنها قلمداد می‌نمود. از سوی دیگر امام و رهبری نیز در موارد متعدد، کارگزاران جمهوری اسلامی را به آیت‌الله بهجت ارجاع می‌دادند و تسهیل امور را در اکسیر معنویت و عرفان وی می‌جستند. او از این طریق و به گونه‌ای غیر مستقیم، در بسا فرآیندهای انقلاب و نظام نقش آفرینی کرد. حجت‌الاسلام حسین گنجی‌شاگرد آیت‌الله در این موضوع روایتی به ترتیب پی آمده داد:

«آیت‌الله بهجت مرد کم‌ظنیر روزگار بود و محبوب ارضیان و سماواتیان شد. به تعبیر آیت‌الله بهاء‌الدینی، امروز آیت‌الله بهجت ثروتمندترین مرد جهان است، ما مردی به نام آیت‌الله بهجت به آیت‌الله مصباح بزدی می‌کنم؟! وی در جواب فرمود: شما احتمال نمی‌دهید آیت‌الله خمینی در مخالفت با شاه تندی می‌کنم؟! وی در جواب فرمود: شما احتمال نمی‌دهید که خیلی کند می‌رود؟ شاید مقصود ایشان از این جمله این بود که امام باید علیه پهلوی اعلام جهاد می‌کرد. حتی آیت‌الله محمد هادی فقهی از شاگردان ایشان می‌افزاید: زمانی که امام خمینی را تبعید کردند، ایشان در درس گفتند کسانی نیستند بروند این سران حکومت را بکشند؟! علاوه بر این روابط دوستانه‌ای که میان او و امام خمینی برقرار بود، همواره وی را خیر خواه انقلاب و دعاگوی رهبری آن می‌ساخت. به هر ترتیب، آیت‌الله بهجت که در عصر ما یکی از مراجع طراز اول ایران به حساب می‌آمد و روابط صمیمی نیز با مقام معظم رهبری داشت، به تدریج پس از ارتحال امام خمینی به مرجعیت رسید.

آمه در مقالی دیگر، در این فقره می‌نویسد: «آیت‌الله بهجت اوایل دهه ۴۰ بارها تأکید می‌کرد اینها (حاکمان رژیم پهلوی) دارند دین را از بین می‌برند، روزی شخصی به ایشان عرض کرد احتمال نمی‌دید آیت‌الله خمینی در مخالفت با شاه تندی می‌کنم؟! وی در جواب فرمود: شما احتمال نمی‌دهید که خیلی کند می‌رود؟ شاید مقصود ایشان از این جمله این بود که امام باید علیه پهلوی اعلام جهاد می‌کرد. حتی آیت‌الله محمد هادی فقهی از شاگردان ایشان می‌افزاید: زمانی که امام خمینی را تبعید کردند، ایشان در درس گفتند کسانی نیستند بروند این سران حکومت را بکشند؟! علاوه بر این روابط دوستانه‌ای که میان او و امام خمینی برقرار بود، همواره وی را خیر خواه انقلاب و دعاگوی رهبری آن می‌ساخت. به هر ترتیب، آیت‌الله بهجت که در عصر ما یکی از مراجع طراز اول ایران به حساب می‌آمد و روابط صمیمی نیز با مقام معظم رهبری داشت، به تدریج پس از ارتحال امام خمینی به مرجعیت رسید.

تمام برده‌ها کنار رفته بود و ایشان درون افراد را می‌دیدند. زمانی که در منزل ایشان روضه بود، ایشان وقتی کنار در می‌ایستادند، به چهره‌ها زیاد نگاه نمی‌کردند و زمانی که نگاه می‌کردند، با دیدن برخی افراد ذکر یا ستارالعیوب را ایبان می‌کردند و با دیدن برخی نیز اذکار ظریفی را می‌گفتند. ایشان عالم بزرگی بودند که در مراسم تشیع جنازه ایشان جمعیت بسیار زیادی به واسطه این جذبیه عشق آمده بود، ولی با توجه به ازدحام جمعیت، یک نفر نیز مجروح نشد و این نیز از کرامات این مرد بزرگ بود که بعد از مرگ او شاهد بودیم. ایشان به معنای واقعی بنده خدا بود و در همه عمرش گناهی از وی سر نزد. در عنفوان جوانی پای درس را مردمان و اساتید بزرگی بود، مردانی که همه زندگی‌شان عبادت بود و هر که می‌خواهد به مقاماتی برسد، باید در کلاس بندگی و عبادت زندگی کند.».



رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با آیت‌الله‌العظمی محمدتقی بهجت

## ۹ جوان ۷۰۳۳

■ **اگر مردم می‌دانستند که استقبال از این سید جقدر ثواب دارد، هیچ کس در خانه نمی‌نشست!**

فصلی مهم از حیات و مسراوات سیاسی آیت‌الله‌العظمی بهجت به‌ه ارتباط ایشان با آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی بازمی‌گردد. بر حسب اسناد و شواهد، این رابطه بس صمیمی و نزدیک و دیدارهای این دو شخصیت بزرگ، همواره از افسادات عرفانی و تبادل نظر سیاسی سرسار بوده‌است. در این باره مصاحبان مرجع فقید، نکات و خاطراتی خواندنی به تاریخ سپرده‌اند. حجت‌الاسلام فقیهی اصفهانی از اساتید حوزه علمیه قم خاطر نشان کرده است:

«یکی از رفقای ما به نام آقای رجالی، از قدیم با حضرت آیت‌الله بهجت ارتباط داشت و در درس ایشان شرکت می‌کرد و خیلی آدم باصفا و سالم و خوبی است، چند مورد از ایشان را برای ما نقل کرد. یکی اینکه می‌گفت، آیت‌الله بهجت به این راحتی هر کسی را برای ملاقات راه نمی‌دادند، آن هم برای ملاقات‌های طولانی و این حرف‌ها، ولی آیت‌الله خامنه‌ای، مرتب خدمت آیت‌الله بهجت می‌رسیدند و اینها یک رابطه صمیمی داشتند. آقا، یاد و به‌طور مخفیانه به قم می‌آمدند و خدمت آیت‌الله بهجت می‌رفتند. یکی از زمان‌هایی که ایشان می‌گفت زمان ملاقات این دو بزرگوار بوده‌است، سحر بود، دو ساعت مانده به اذان صبح. ایشان می‌گفت که آیت‌الله خامنه‌ای گاهی سحر می‌آمدند. در آن موقعیت حساس می‌آمدند خدمت آیت‌الله بهجت و می‌رفتند. خب این نشانه علاقه شدید آیت‌الله بهجت به مقام معظم رهبری است که در این موقع شب و سحر با ایشان ملاقات و صحبت می‌کردند. بعد باز ایشان می‌گفتند چند سال پیش که آیت‌الله خامنه‌ای یک هفته به قم تشریف آوردند، در خیابان‌ها جمعیت زیادی برای استقبال آمده بودند. آیت‌الله بهجت هم جزو جمعیت استقبال کنندگان آمدند. حالا مرجعی در سن حدود ۹۰ سال ایشان هم در جمع استقبال کنندگان آیت‌الله خامنه‌ای آمدند. ایشان می‌گفت که شخصی به ایشان گفت که حاج آقا شما با این سن و سال وسط این جمعیت استقبال کنندگان آمدید؟ آیت‌الله بهجت فرمودند: اگر مردم می‌دانستند که استقبال از این سید جقدر ثواب دارد، هیچ کس در خانه نمی‌نشست!این تعبیر خیلی زیباست… یکی از اعزای ایشان می‌گفتند چند سال پیش که آیت‌الله خامنه‌ای را بگویند یک نفر فرستند من با ایشان کار دارم! چند روز گذشت و ایشان این خواسته را تکرار کردند. آیت‌الله خامنه‌ای، آقای محمدی گلپایگانی را پیش آیت‌الله بهجت فرستادند. آیت‌الله بهجت دوم‌تبه تأکید کردند که من برای سلامتی شما هر کاری می‌توانستم انجام دادم، خودتان هم یک کاری انجام بدهید! برای این دووم و بعد از چند روز، آیت‌الله بهجت این تأکید را داشتند که به واسطه آقای محمدی گلپایگانی خیرش به آقا رسید و خود آیت‌الله خامنه‌ای هم هر کاری که باید انجام بدهند، انجام داده بودند. آقازاده آیت‌الله بهجت نیز می‌گفت که موقع آیت‌الله خامنه‌ای به قم تشریف آورده بودند آیت‌الله بهجت فرمودند: همه از اتاق بیرون بروند. حالا هر کس به ملاقات آیت‌الله بهجت می‌آمد، بسر آقا و برخی دیگر هم حضور داشتند.بعد می‌گفت: یک موقعی که آیت‌الله خامنه‌ای آمدند، آیت‌الله بهجت فرمودند: هیچ کسی نماند، همه بروند بیرون، من با آقا حرف خصوصی دارم… و تا مدتی با هم بودند و به‌طور خصوصی با هم مذاکره و صحبت داشتند. ما همه به بیرون از اتاق رفته بودیم، اینقدر با هم صمیمی بودند…».

■ **کلام آخر**

«قلعاً ما را از بزرگان و پدران دینی‌مان جدا کردند و بین ما و آنها فاصله انداختند. دستور داده‌اند پسران و دختران را در محیط مدارس تربیت کنند تا از تربیت دینی، مذهبی و خانوادگی به دور باشند. همچنین میان مردم و روحانیون جدایی بیندازند و مردم را نسبت به آنها بدبین نمایند، هر چند به این صورت که افرادی را به بی‌اسرار روحانیون خصوصاً با صورت خوب (عمامه بزرگ، محاسن و…) و به‌ی‌زی‌علما و بزرگان دین درآوردند تا در مجامع عمومی و در انتظار توده مردم، افعال قبیحه انجام دهند، ما هم غافل هستیم. همچنین از جمله فرمان‌ها و دستورها و تشکیه‌هایی که کفار چند سال پیش علیه ما نوشته‌اند، این است که کشتارهایمان را بسوزانند، آب‌های آشامیدنی‌مان را آلوده و مسموم کنند، امراض را اشاعه دهند و بیماری‌ها را در جامعه دامن زنند تا به مجرد هجوم، تسلیم آنها باشیم هم وجود دارد و شواهد صدق دارد؟! آیا ما به آنها محتاجیم یا آنها به ما؟! اگر آنها به ما محتاج نیستند، پس چرا این همه برای تسلط بر ما و معادن ما با هم مقاتله و جدال دارند؟! آنها ابتدا دین را از ما می‌گیرند و سپس ثروت‌های ما را می‌گیرند و از همان‌ها به ما تفضل‌لام می‌دهند و نزول می‌گیرند یا به صورت ظاهر صدقه و بلاعوض می‌دهند و بر ما منت می‌گذارند…».

آنچه در فوق آمده، بخشی از تحلیل‌های تاریخی زنده‌یاد آیت‌الله‌العظمی بهجت است. به نظر می‌رسد در ادوار پیش و پس از ارتحال آن بزرگ، علاقه‌مندان و شرح حال‌ناتر، بیشتر به تبیین مکنات عرفانی و برداخته و از اندیشه‌های سیاسی، اجتماعی و تاریخی‌اش با‌مانده‌اند. این در حالی است که در این حوزه‌ها نکاتی مورد تصریح آن عالم نامور قرار گرفته‌است که می‌تواند تاریخ‌نگاری معاصر را از خویش متأثر سازد. با ی‌توان جهت‌سمت و سوی بخشد. امید آنکه این مهم، از سوی مرکز نشر آثار آن مرجع والا و سایر مراودان و محققان مورد توجه قرار گیرد.